پرسه در دنیای خبر

رونمایی از محورهای همایش «سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی»

● **گروه هنر:** مراسم رونمایی از محورهای دومین همایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی با حضور مسئولان در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال برگزار شد. مراسم رونمایی از محورهای دومین همایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی؛ با حضور صادق افراسیابی، مشاور رئیس مرکز رسانه‌های دیجیتال، حجت‌الاسلام حشمتی، مشاور وزیر ارشاد در امور دینی، حسن بشیر، رئیس هیئت علمی سواد رسانه‌ای و دیگر مسئولان در یازدهمین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال برگزار شد.

افراسیابی در این مراسم اظهار کرد: «آنچه امروز رونمایی می‌شود، نتیجه برگزاری جلسات متعدد با حضور مسئولان و کارشناسان مربوطه است که در ابتدای امر محورهای برگزاری دومین همایش «سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی» مطرح می‌شود و سپس در طول برگزاری جلسات هیئت‌علمی مباحث و دیگر مبانی این همایش تشریح خواهند شد». مشاور رئیس مرکز رسانه‌های دیجیتال در ادامه به رونمایی از ۲۶ کتاب در خلال برگزاری این همایش اشاره و ابراز کرد: « دو کتاب ۵۰۰ و نیز هزارصفحه‌ای از مقالات منتخب ارسالی به همایش به چاپ رسید که این مقالات مورد داوری کارشناسان مربوطه قرار گرفتند».

وی همچنین به چاپ کتاب «شهروند هوشمند» اشاره و ابراز کرد: «این کتاب پیرو اهتمام دبیرخانه همایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی و در راستای فرهنگ‌سازی در فضای مجازی به چاپ رسید و در ایام نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال رونمایی شد». افراسیابی به اختصاص پنج‌هزاردقیقه برنامه تلویزیونی و هفت‌هزاردقیقه برنامه رادیویی ذیل محور سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی اشاره کرد و یادآور شد: امسال تولیدات رسانه‌ای مستند، فیلم کوتاه، بازی‌های رایانه‌ای، تولیدات هنری و تجربه‌نگاری به دومین همایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی اضافه شده‌اند.

در ادامه، حسن بشیر به محورهای مختلف این همایش اشاره و اظهار کرد: «همایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در چهار محور توانمندسازی، سبک زندگی، آموزشی و نیز دین و اخلاق برگزار می‌شود».

یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی رسانه‌های دیجیتال با هدف آشنایی هرچه‌بیشتر فعالان حوزه دیجیتال و شرکت‌های فعال با آخرین تحولات صورت‌گرفته در حوزه رسانه‌های دیجیتال، از تاریخ ۲۰ الی ۲۶ آبان در مصلای امام خمینی (ره) تهران برگزار می‌شود.

مستندی درباره «توران میرهادی»

● **گروه هنر:** فیلم مستند «یکی بود یکی نبود» با نگاهی به زندگی و فعالیت‌های توران میرهادی به تهیه‌کنندگی و کارگردانی غلامرضا کتال ساخته شد. توران میرهادی از پایه‌گذاران اصلی ادبیات کودک و تعلیم و تربیت نوین در ایران است. این مستند پرتره نگاهی به زندگی پرفرازونشیب «توران خانم» و فعالیت‌های او در حوزه تعلیم و تربیت، فرهنگ کودکی و ادبیات کودک دارد.

توران میرهادی در سال ۱۳۳۴ به نام برادر ازدست‌رفته‌اش، کودکستان فرهاد و بعدها، دبستان و راهنمایی فرهاد را بنیاد نهاد. مدرسه تجربی فرهاد از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۸ در عمر ۲۵ساله خود تجربیات نوینی را در حوزه آموزش و پرورش برای کودکان و نظام آموزشی ایران به وجود آورده است.

او همچنین از پایه‌گذاران اصلی شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۱ بوده است. شورای کتاب کودک در ۲۰ دی ۱۳۴۱ با همراهی ۳۷ نفر از فعالان حوزه ادبیات کودک کار خود را آغاز کرد و درحال‌حاضر با ۵۵ سال سابقه مشغول فعالیت در حوزه فرهنگ کودکی و ادبیات کودک است و از درون آن سازمان‌ها و نهادهای گوناگونی سر برآورده است. توران میرهادی در سال ۱۳۵۹ بنا به وصیت همسرش محسن خمارلو و با یک‌سوم از دارایی‌های او تهیه و تدوین فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان را با همکاری و دوستان شورای خود بنیان گذاشت. این فرهنگ‌نامه نخستین دایره‌المعارف عمومی نوشته‌شده به زبان فارسی همراه با تصویر برای کودکان و نوجوانان است که با دیدگاهی علمی و با تکیه بر فرهنگ ایران تهیه شده و تاکنون ۱۶ جلد از آن به چاپ رسیده است. توران میرهادی در ۱۸ آبان ۱۳۹۵ بر اثر سکته مغزی در بیمارستان درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری به خاک سپرد شد.

مشاهدات سینماگران زن در بازدید از مناطق زلزله‌زده غرب کشور

چالش مدیریت بحران در کشور ما جدی است

عکس: امیر جدیدی، شرق

زلزله اخیر مناطق غرب کشور باعث شد که بار دیگر بحث «مدیریت بحران» مورد چالش جدی قرار گیرد. گواه این نکته جدا از گزارش‌های رسمی خبرنگاران رسانه‌ها و اظهارات شخصی مردم منطقه در فضای مجازی، مشاهدات سینماگران از این مناطق است که در عین مهم‌بودن، عزم جدی می‌طلبد که بخش مدیریتی کشور در لایه‌های مختلف بازنگری شود، مدیران متخصص و دلسوز در رأس امور قرار گیرند تا به‌جای آرام‌کردن شرایط، بحران دیگری بر بحران اصلی نیفزایند. با سه نفر از بازیگران سینما؛ فریبا کوثری، فاطمه گودرزی و یکتا ناصر درباره مشاهداتشان از مناطق زلزله‌زده گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

فرانک آرتا

فریبا کوثری: مردم دوست دارند به پشتوانه مسئولان دلگرم شوند

خانم کوثری برخی‌ها به حضور سینماگران در مناطق زلزله‌زده معترض بودند. واکنش شما چیست؟

بنا به دعوت «خانه سینما» همراه همکارانم به این مناطق رفتیم. هرچند هرکدام از ما قصد داشتیم که تنهایی برویم، اما وقتی دیدیم چنین حرکت جمعی‌ای پیش آمد، بلافاصله موافقت خود را اعلام کردیم. منتها برخی‌ها اعتراض کردند که حضور شما خودنمایی است. واقعا ما نمی‌دانیم چه کنیم! اگر در صفحات رسمی‌مان فقط عکس ابراز همدردی بگذاریم، می‌گویند شما که به آنجا نرفتید و خودنمایی می‌کنید، اما خودمان هم به آنجا سفر کنیم می‌گویند کاری که از دستتان برنمی‌آید پس چرا می‌روید! درحالی‌که می‌دانیم نمی‌توانیم کارهای بزرگی انجام دهیم، اما هر یک از دوستان و همکاران من با دست‌پر به آنجا رفته‌اند. منتها ما نمی‌خواهیم کمک‌هایمان را علنی بیان کنیم. ما به آنجا رفتیم تا هم‌وطنان عزیزمان بدانند که آنها را فراموش نکرده‌ایم. بالاخره در این شرایط هر کسی در حد توان خودش باید کمک کند. توان ما هم در همین حد است. ما هم نگران آن عزیزان هستیم. کمااینکه در تلاش برای خرید کانکس و وسایل گرمایشی برای این عزیزان هستیم. بااین‌حال حضور سینماگران در مناطق زلزله‌زده از سوی بسیاری از مردممان حمایت شد که از آنها تشکر می‌کنیم. فقط تنها گلایه‌مان این است که مسئولان محترم می‌دانند که کشور ما زلزله‌خیز است، چرا برای حل این مسئله کاری نمی‌کنند. مگر پیش از این شاهد زلزله‌های طبس، رودبار و منجیل، بم، ورزقان و آذربایجان نبودیم و حالا هم امروز زلزله کرمانشاه! هربار شاهد هستیم که رئیس و کارمند ستاد بحران تشکیل می‌شود، اما هنگام بروز بلایای طبیعی نمی‌توانیم بحران را مدیریت کنیم!

مشاهدات شما در این زمینه چیست؟

مثلا بسیاری از امدادرسانان عزیزمان یک دستکش و کلاه ایمنی نداشتند! آن‌وقت می‌گوییم غافلگیر شدیم! اگر من خانه‌ام را درست قفل‌وبست کنم، دیگر دزدی به من نمی‌زند. اگر هم دزدی زد، دلیلش این است که من درست حفاظت نکرده‌ام! من همیشه گفته‌ام مردم ما در کنار مسئولان خود هستند. بنابراین همان‌طور که مسئولان ما به پشتوانه مردم دلگرم هستند، مردم ما هم دوست دارند با وجود مسئولان خود پشتوانه قوی داشته باشند.

فاطمه گودرزی: نیاز مردم کانکس و وسایل گرمایشی است

چطور شد که با همکاران‌تان به مناطق زلزله‌زده رفتید؟

من شخصا دوست داشتم زودتر به مناطق زلزله‌زده بروم؛ اما سر صحنه بودم. منتها همکاران لطف کردند و یک روز به من مرخصی دادند تا در کنار همکارانم به مناطق زلزله‌زده بروم. هدف هم که کاملا مشخص است؛ برای همدردی با مردم کشورمان همه ما به آن مناطق رفتیم.

جالب است اطرافیان من به‌محض اینکه متوجه شدند قصد سفر دارم، شبانه مبالغی جمع کردند و خودم هم در حد توانایی خرید کردم و با خودمان به آن مناطق بردیم. وقتی از نزدیک ماجرا را دیدم، شاید باور نکنید که مردم از نظر مواد خوراکی و پوشاک اشباع شده‌اند.

شخصا دوست داشتم فقط به مناطق شناخته‌شده و تبلیغ‌شده نروم؛ بنابراین به برخی از روستاها سر زدم. کم نیست؛ ۹۰ روستا آسیب دیده است. برایم جالب بود که در چند روستا لباس‌ها در فضای بیرون روی زمین ریخته شده بود!

یعنی وسایل بسته‌بندی نشده بود؟

نه نشده بود. البته مردم همه این لباس‌ها را با عشق فرستاده بودند که دست دوم هم بود. منتها مردم آنجا از این نظر مشکلی نداشتند.

آنها بیشتر به چه چیزی نیاز داشتند؟

آن روز که ما آنجا بودیم، صبح تا شب هوا گرم بود. طوری که ما هم که لباس گرم پوشیده بودیم، عرق کردیم. شب‌ها مثل تهران خنک بود؛ بنابراین آنها بیشتر به کانکس، وسایل گرمایشی و چراغ خوراک‌پزی احتیاج دارند.

آنجا چادر وجود نداشت؟

به‌وفور. من از آنجا کلی فیلم گرفته‌ام. ارتش و هلال‌احمر چادرهای زیادی به مردم داده بودند؛ طوری که مردم در حیاط خانه‌های نیمه‌ویرانه خود از ترس ریزش ساختمان چادر زده بودند. برخی از افراد هم حدود پنج، شش چادر می‌گرفتند و با خود می‌بردند. به همین دلیل معتقدم بیشتر مشکلات معطوف به نبود مدیریت و توزیع کالاها بود.

مردم دقیقا به چه چیزهایی معترض بودند؟

وقتی فاجعه‌ای رخ می‌دهد، طبعا مردم خشم و عصبانیت خود را بروز می‌دهند که این کاملا درک می‌شود. واقعا رسیدگی به آنها خیلی سخت است. محلی‌ها می‌گفتند مثلا زلزله ساعت ۹، ۱۰ شب رخ داده؛ اما امدادگران ساعت دوونیم شب رسیدند. یا برای روستاهای لب مرز، ۷۲ ساعت طول کشید که توانستند به مردم کمک کنند؛ بنابراین بخشی از این دیرکردها طبیعی است و بخشی هم به نبود مدیریت درست در شرایط بحرانی مربوط می‌شود. درباره اینکه گفته می‌شود برخی‌ها بیش از مایحتاج خود کالا برمی‌دارند، شاید به این دلیل است که نهایت تا ۲۰ روز مردم به فکر آسیب‌زده‌ها هستند؛ اما بعد از مدتی آنها تنها می‌شوند؛ بنابراین آنها باید به فکر سرمای زمستان تا زمان عید باشند که به نظرم می‌توان آن را درک کرد. با همه این حرف‌ها، مردم و ورزشکاران و هنرمندان خیلی خوب همراهی کردند. مثلا آقای خیابانی همراه خود ۲۰ کانتینر کمک‌رسان آورده بود و خود ایشان با عشق به مردم کمک می‌کرد.

یکتا ناصر: ترمیم بی‌اعتمادی مردم سال‌ها زمان می‌برد

خانم ناصر! چرا و با چه هدفی با جمعی از همکاران به مناطق زلزله‌زده غرب کشور رفتید؟

من هم مثل سایر مردم تحت‌تأثیر این فاجعه قرار گرفتم و مثل هر انسانی، وظیفه خودم دانستم که از نزدیک با آسیب‌دیدگان ملاقات کنم، چون عمیقا دوست داشتم در کنار کسانی که عزیزان و خانواده خود را از دست داده‌اند، باشم و دلیل دیگر حضورم در آنجا انتشار اخبار متناقضی بود که هم می‌خواندم و هم می‌شنیدم و می‌خواستم خودم همه‌چیز را از نزدیک ببینم.

البته به دلیل برخی از معذورات نتوانستم زودتر حضور پیدا کنم، اما بالاخره شرایط پیش آمد که در کنار دوستانم به آن مناطق بروم.

از مشاهدات خود بگویید. مردم در مواجهه با شما چگونه رفتار کردند؟

با وجود آسیب‌هایی زیادی که دیده‌اند، برخوردی مهربانانه داشتند.

من هم سعی کردم از اوضاع و شرایط آنجا بیشتر مطلع شوم و بدانم مایحتاج آنها چیست. جالب است در مدتی که در راه بودیم، جاده‌ها مملو از ماشین و کانتینرهای کمک‌رسان بود؛ مثلا مردم از نظر لباس و مواد غذایی اشباع شده بودند، اما مورد سؤال‌برانگیز برایم توزیع نامناسب کالاها بود!

چطور؟

وقتی ما وارد آن مناطق شدیم، از طرف ارتش، هلال‌احمر و جاهای دیگر کمک‌رسانی‌های مؤثری به مردم شده بود و کارهای زیادی انجام داده بودند، اما بهتر بود که توزیع کالاها بهتر صورت می‌گرفت؛ مثلا یک جاهایی حتی امدادرسانی‌ها خیلی زیاد بود، به‌طوری‌که برخی از کالاها مازاد به نظر می‌رسید و برخی‌ها هم به کالاها دسترسی نداشتند!

به نظر شما دلیلش چه بود؟

طبعا کشور ما در این مورد دچار بحران مدیریت است، باید بگویم من خودم همواره جزء معترضان بوده و هستم، اما درعین‌حال متأسفانه انگار باب شده که با وجود کارهای مؤثر، همه باید اعتراض کنیم! معتقدم حق‌طلبی و اعتراض در جای خود درست است، اما نباید در این شرایط اعتراضات را به کینه‌ورزی تبدیل کنیم.

دقیقا منظورتان چیست؟

منظورم این است که در همه‌جا وقتی شرایط بحرانی و فاجعه به وجود می‌آید، ممکن است در جاهایی نقص‌هایی وجود داشته باشد، اما به‌جای کمک به مردم آسیب‌دیده، طرح مسائل سیاسی، تسویه‌حساب‌ها و زدن همدیگر درست نیست.

شما به کدام‌یک از مناطق سر زدید؟

به بیمارستانی در کرمانشاه رفتیم. همین‌طور به سرپل ذهاب و روستای ثلاث باباجانی... .

به ساختمان‌های مسکن مهر هم سر زدید؟

بله.

ساختمان‌ها خراب شده بود؟

غیر از خانه‌های مسکن مهر، خانه‌های دیگری هم خراب شده. به نظرم در این قضیه نه‌تنها مسئولان مربوطه، بلکه پیمانکاران، مهندسان و حتی کارگرانی که هرکدام کارشان را درست انجام نداده‌اند، مقصرند.

زلزله رویداد تلخی است و با وجود اینکه کشور ما، زلزله‌خیز است، اصلا مسئولان به این نکته توجه نمی‌کنند. متأسفانه یک نوع بی‌اعتمادی به مسئولان از سوی مردم وجود دارد که سال‌ها طول می‌کشد تا ترمیم شود. من معتقدم آن مسئولانی که اختلاس کردند، جدا از بحث ضرروزیان به کشور، به اعتماد مردم ضربه بسیار بدی زدند که این مورد از ضرر اولی مهلک‌تر است. ضمن اینکه هنوز زخم جنگ بر مردمان غرب کشور وجود دارد و حالا باید با مصیبت بزرگی مثل خرابی‌های ناشی از زلزله دست‌وپنجه نرم کنند. بنابراین مسئولان و متخصصان باید به فکر مردم این کشور باشند وگرنه امثال من و مردم نه تخصصی در این مورد و نه دستی بر این آتش داریم.

ظاهرا این جمله که اگر من حق مردم را ضایع نکنم، دیگران ضایع می‌کنند به جمله‌ای قابل تسری تبدیل شده و همه ما با این عنوان کارمان را درست انجام نمی‌دهیم! به نظرم این مشکلات ریشه‌ای‌تر از این حرف‌هاست؛ باید اساسی و پایه‌ای اصلاح شوند که هم زمان‌بر است و هم اینکه به‌بارنشستن فرهنگ به سال‌ها وقت احتیاج دارد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

حضور «شاعران زندگی» و «مادر زمین» در بخش بازار «ایدفا»

● **گروه هنر:** دو مستند «شاعران زندگی»، به کارگردانی شیرین برق‌نورد و «مادر زمین»، ساخته مهناز افضلی، به تهیه‌کنندگی مجتبی میرتهماسب و مشاوره رخشان بنی‌اعتماد، آبان‌ماه امسال در بخش بازار سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند آمستردام (ایدفا) حضور پیدا می‌کنند. بخش Docs for Sale یا همان بازار، نه‌تنها یکی از بخش‌های مهم جشنواره «ایدفا»، بلکه یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بازارهای فیلم‌های مستند در جهان است که سی‌امین دوره این جشنواره از ۱۵ تا ۲۶ نوامبر (۲۴ آبان تا ۵ آذر) برگزار می‌شود. مستند «شاعران زندگی» روایتی شاعرانه از زندگی، کار و دغدغه‌های شیرین پارسی، شالیکار، فعال محیط‌زیست و فعال اجتماعی در حوزه زنان است. همچنین مستند «مادر زمین» نگاهی به زندگی و کار مشترک هایده شیرزادی و همسرش، ادموند لِمپگز و تلاش آنها برای قطع کامل دفن زباله‌های شهری و تبدیل پسماند به بیوکمپوست و تولید کود آلی برای کشاورزی ارگانیک است. گفتنی است این دو مستند درحال‌حاضر در گروه سینمایی هنر و تجربه در حال اکران است.

گروه آلمانی شیلر در ایران کنسرت می‌دهد

● **گروه هنر:** کنسرت گروه موسیقی شیلر (Schiller) برای نخستین‌بار در تهران برگزار می‌شود. کریستوفر ون دیلن، سرپرست گروه موسیقی شیلر، قرار است در اواخر آذرماه برای برگزاری نخستین کنسرت در ایران به‌همراه گروهش به تهران سفر کند تا در دو شب در تالار وزارت کشور روی صحنه برود. به گزارش روابط‌عمومی کنسرت شیلر، این کنسرت شب‌های ۲۰ و ۲۱ آذر در سانس ۲۱:۳۰ برگزار و بلیت‌فروشی آن از طریق سامانه تیکت به نشانی www.tik8.com انجام می‌شود. اعضای گروه شیلر قرار است در کنسرت ایران، منتخبی از آثار برترشان را به‌صورت اینسترومنتال به اجرا دربیاورند. شیلر پروژه کامل و مهم موسیقی‌دان آلمانی، کریستوفر ون دیلن، است که کارهایی را در سبک الکترونیک منتشر کرده و از سال ۱۹۹۸ با انتشار نخستین آلبوم توانسته وارد عرصه حرفه‌ای بازار موسیقی دنیا شود. فریدریش شیلر (Friedrich Schiller) از شعرای بزرگ آلمانی در قرن ۱۷ بوده و اسم گروه Schiller برگرفته از اسم این شاعر است. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند از روز چهارشنبه (۲۴ آبان) ساعت ۱۱ صبح به سایت تیکت به نشانی www.tik8.com مراجعه کنند.

«یک اثر، یک چادر» برای کمک به زلزله‌زدگان

● **گروه هنر:** جمعی از هنرمندان برای کمک به هم‌وطنان زلزله‌زده در کرمانشاه پروژه «یک اثر، یک چادر» را اجرا می‌کنند. این پروژه با نمایش آثار جمعی از هنرمندان تجسمی و با همکاری مجله «آنگاه» و گالری «دنا» از ۲۶ تا ۲۸ از ساعت ۱۶ تا ۲۲ برپاست و در آن بیش از صد هنرمند آثار خود را در قبال تهیه یک چادر برای مردم زلزله‌زده کرمانشاه، به فروش می‌گذارند. برای شرکت در این کمپین متقاضیان می‌توانند با خرید یک چادر و تحویل به گالری یا پرداخت هزینه آن، یک اثر هنری را برای کمک به زلزله‌زدگان کرمانشاه خریداری کنند. چادرهایی که تهیه می‌شوند از کیفیت بالایی برخوردارند و در دمای زیر صفر نیز سرپناه مناسبی هستند. تاکنون صد هنرمند به این کمپین پیوسته‌اند و حدود ۲۰ عکاس حرفه‌ای، از جمله ساسان مؤیدی، کیارنگ علایی، حمید جانی‌پور، صمد قربانزاده، بهنام صدیقی، شادی قدیریان، مهدی وثوقیان، سیروس شهباز، مجید سعیدی و بسیاری دیگر از عکاسان شناخته‌شده در این کمپین اثر ارائه کرده‌اند. از دیگر هنرمندان حاضر می‌توان به معصومه مظفری، محمدعلی بنی‌اسدی، علی خسروی، کیانوش غریب‌پور، اونیش امین‌اللهی، کوروش قاضی‌مراد، مرتضی آکوچکیان، بهزاد شیشه‌گران، امیر سقراطی، رامین اعتمادی‌بزرگ و... اشاره کرد، البته هنرمندان دیگری نیز در حال اضافه‌شدن هستند و تاکنون حضور صد هنرمند قطعی شده است. گالری دنا در میدان فردوسی، خیابان سپهبد قرنی، بعد از چهارراه طالقانی، کوچه سوسن، پلاک ۴، واحد ۲ واقع است.

ابراز امیدواری «تناولی» به بازپس‌گیری آثارش از شهرداری

عکس: روح‌الله وحدتی، ایسنا

گروه هنر: پرویز تناولی ابراز امیدواری می‌کند که هرچه زودتر قضیه بازپس‌گیری آثارش از شهرداری تهران فیصله بیابد.

این مجسمه‌ساز با اشاره به شکایت شش‌ساله‌اش از شهرداری تهران، وضعیت را پیچیده می‌بیند؛ از این جهت که از این دادگاه به آن دادگاه کشیده شده و هر بار کم و کسری پرونده و اشکالات فنی باعث شده که این قضیه به عقب بیفتد. اما همچنان امیدوار است تا چند روز دیگر دادگاه رأی نهایی را به نفع او برای بازپس‌گیری آثارش اعلام کند و این خود سرآغاز راه‌اندازی موزه‌اش باشد.

این هنرمند درباره آخرین وضعیت این پرونده گفت: امیدوارم با پس‌گیری آثارم از شهرداری تهران بعد از ۱۵ سال موزه‌ام را افتتاح کنم؛ البته تا زمانی که آن آثار را پس نگیرم، موزه را بازگشایی نخواهم کرد؛ زیرا آنها متعلق به موزه بودند و باید سر جایشان برگردند. موزه بدون آنها ناقص می‌شود. این موزه یک بار افتتاح شد و (محمود) احمدی‌نژاد آن را تعطیل کرد. ما به دادگاه رفتیم و خوشبختانه محل موزه را پس گرفتیم؛ اما آثار در انبارهای شهرداری ماند».

هرچند اختلاف قدیمی پرویز تناولی و شهرداری تهران بر سر بازگرداندن آثار او در زمان مدیریت قبلی شهرداری به کلافی سردرگم تبدیل شد؛ اما این روزها امید می‌رود با انتخاب محمدعلی نجفی به‌عنوان شهردار جدید پایتخت و آغاز به کار اعضای جدید و تازه‌نفس شورای اسلامی شهر تهران این کلاف در هم پیچ گشوده شود.

خانه‌ای در یکی از کوچه‌های قدیمی محله نیاوران، سال‌هاست انتظار مجسمه‌ها و آثاری را می‌کشد که در دوران مدیریت محمود احمدی‌نژاد بر شهرداری، براساس قراردادی از این هنرمند خریداری شد.

این البته تمام ماجرا نبود. در آن زمان براساس قرارداد مزبور نیمی از وجه تمام‌شده به این مجسمه‌ساز پرداخت شد ولی نیم دیگر هیچ‌گاه به او داده نشد. هرچند تکلیف آن خانه با رأی قاطع دیوان عدالت اداری منجر به بازپس‌دادن به تناولی شد؛ اما وضعیت مجسمه‌ها و دیگر آثار هنری او، نامعلوم و نگران‌کننده ماند. این روزها بازگرداندن این آثار به دغدغه این مجسمه‌ساز پیش‌کسوت تبدیل شده و او بر آن است تا آثارش را به خانه خودشان برگرداند تا به گفته خود، خانه و آثار را برای آیندگان به یادگار بگذارد.

اهالی تجسمی که تناولی بر بسیاری از آنها حکم استادی دارد، منتظرند ببینند کشمکش چندساله این مجسمه‌ساز با شهرداری به کجا می‌رسد؟ آیا امیدی هست به خواسته هنرمندی که تابه‌حال بارها آثارش تخریب یا به‌شکلی غیراصولی نگهداری شده، رسیدگی شود.

این هنرمند پیش‌کسوت به‌تازگی نمایشگاه جدیدش را با نام «پرویز تناولی و آتلیه نیاوران» در گالری «بوم» برگزار کرده است. در این نمایشگاه آثار این هنرمند از ۴۵ سال پیش تا امروز جمع‌آوری و به نمایش گذاشته شده است؛ بخشی از آنها مربوط به «عشاق و شعرا»، بخشی مربوط به «هیچ»ها و بخشی دیگر مربوط به «دیوارهای ایران» است. در کنار استاد، چهار شاگرد ایشان مونا پاد با دو اثر و رامین جمشیدی، هوراد گرجی و علیرضا معصومی با یک اثر در این نمایشگاه حاضر هستند. در کنار این آثار یک فیلم درباره دیوار پرسپولیس او به زبان انگلیسی نیز در حال نمایش است.